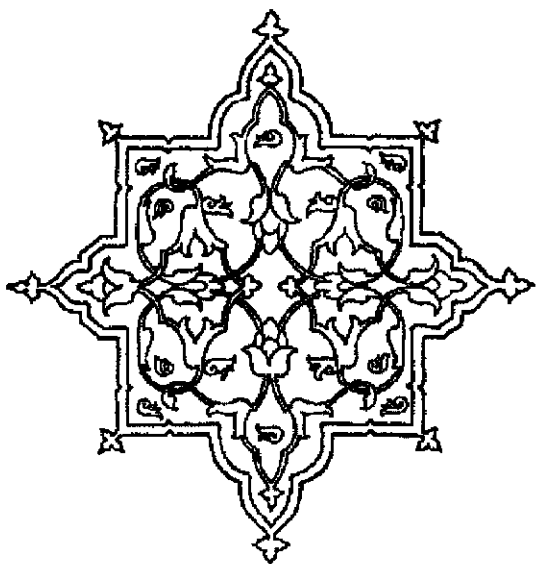


«خلافت و ولایت» از دیدگاه عالمان

استاد شهید مرتضی مطهری

● محمد علی مهدوی راد



ولایت. کتاب افزون بر آنچه یاد شد از هفت بخش، برخی توضیحات و فهارس سامان یافته است. که اینک با نگاهی گذرا به محتوای بخشها، می‌کوشیم جایگاه بلند این اثر عظیم و مجهول‌القدر را بازشناسی کنیم:

بخش اول:

آغازین بخش کتاب با عرضه چشم‌انداز کلی سوره مائده به تبیین فضای فرهنگی عصر نزول می‌پردازد و در پرتو معیارهای الهی چگونگی جامعه منحن را باز می‌گوید و پس از آن عنایت و توجه شگرف قرآن به «اهل‌البیت» را آورده و آیه «تطهیر» و «مودت» را تفسیر می‌کند. پس از آنچه یاد شد، مولف بزرگوار با تحلیلی زیبا و دقیق نشان می‌دهد که آیات آغازین سوره مائده تأکیدی است بر استوار ماندن پیمانها و جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق دیگران و مآلا هشدار می‌دهد درباره چگونگی برخورد با علی(ع) و خاندان پیامبر و... چگونگی و مخالفت خلیفه دوم با علی(ع) و انگیزه محبوبیت آن بزرگوار در دیدگاه پیامبر در صفحات بعد این بخش آمده است و با تأکید بر اصل اساسی «وحدت اسلامی» ضرورت بازنگری حوادث پیامبر مطرح شده و موضع راستین استاد در دفاع از «خلافت حق» و «حق خلافت» تبیین گشته است.

استاد برای تبیین چرایی وجود آیات ولایت و امامت، در ضمن آیات سوره مائده- که ظاهراً بی‌تناسبی می‌نماید- به دو ویژگی مهم قرآن می‌پردازد:

۱- روش مزجی، یعنی آمیختن مباحث و مطالب گونه‌گون، و ابلاغ حقایق به گونه‌ای که مردمان خطرناک و عناصر خرابکار، به فکر ناپود کردن و تحریف آن نیفتند.

۲- بحث مهم تناسب‌السور.

یادآوری می‌کنم که برخی از قرآن‌پژوهان از دیر باز معتقدند که آیات و سوره قرآن در ورای این ظاهر ازهم‌گسیخته پیوندی عمیق و دقیق دارد.^۱ استاد که در تفسیر قرآن و کشف اسرار و معانی آن ید طولانی داشته‌اند، بر این نکته تأکید می‌ورزند، و در پرتو تبیین این ویژگی به تحلیل کلی و مجموعی سوره مائده می‌پردازند و آنچنان آیات سوره را به هم می‌پیوندند و در محوری واحد مرتبط می‌سازند که خواننده به وجد می‌آید و از بن دندان به روح استاد درود می‌فرستد. استاد به طرز اعجاب‌آوری نشان می‌دهد که همه این آیات در سوره مائده در جهت ایجاد فضایی برای طرح ولایت، جایگاه اهل‌البیت بوده و به گونه‌ای دقیق در ارتباط با آن هستند.^۲

...وی بر چاپ اول کتاب، مقدمه زیبا و محققانه نگاشته‌اند، و در ضمن آن مقدمه از زندگانی استاد شریعتی و جایگاه وی در تاریخ معاصر به عنوان مدافع جدی و خستگی‌ناپذیر اندیشه اسلامی در مقابل معارضان سخن گفته و کتاب خلافت و ولایت را به عنوان کتابی «مفید و مستند و ابتکاری» که برای اولین بار به گونه‌ای محققانه به این بحث در زبان فارسی رسیدگی کرده است، معرفی کرده‌اند.^۱

محقق و رجال بزرگ، علامه شوشتری، در نامه‌ای به حسینیه ارشاد می‌نویسند:

کتاب خلافت و ولایت از انتشارات آن حسینیه مقدسه (منظور حسینیه ارشاد است) که انصافاً بهتر کتابی است که در عصر حاضر در امامت نوشته شده.^۲

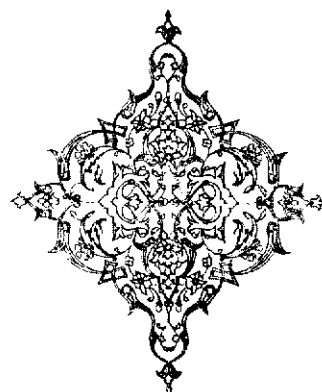
مرحوم آیه‌الله حاج میرزا جوادآقا نهرانی:

آن بزرگوار در گزیده‌گویی و حق‌گویی شهره بود. با دقت تمام سخن می‌گفت و هرگز به افراط و تفریط لب نمی‌گشود. استاد محمدتقی شریعتی نقل می‌کردند که وی پس از خواندن کتاب، به آقای دکتر محمدباقر نوراللهیان می‌فرمایند:

«من در ضمن مطالعه کتاب لب فرو می‌بندم و سخن نمی‌گویم، اما مطالب عالی و دقیق کتاب آنچنان مرا تحت تأثیر گذاشته بود که ضمن مطالعه آن بارهای بار گفتم، احسنت، احسنت...»^۳

گلگشتی در کتاب خلافت و ولایت

کتاب با مقدمه‌ای در پاسخگویی به برخی انتقادات آغاز می‌شود، و با شرح حال گونه‌ای از استاد به خامه فرزند برومندش معلم شهید دکتر علی شریعتی ادامه می‌یابد، آنگاه متن کتاب است با بحثی درباره «تجدد در عصر نزول قرآن» اعجاز بیانی آن و تبیین روش مزجی قرآن در عرضه حقایق و ابلاغ احکام و تبیین مکتب، با اشاره‌ای هوشمندانه و دقیق به علل بقای قرآن و صیانت آن از تحریف. این بیان استاد، زمینه‌ای است برای ورود به بحث جدی و تعیین‌کننده‌ای در محتوای سوره مائده و روشن ساختن موضوع محوری آن:



طرح کنندگان. تز «شوری» برای نفی «وصایت» را به نقد می‌کشد.

آنگاه نشان می‌دهد که اعتقاد به عدم وصیت بر ولایت و رهبری از سوی پیامبر با آن همه جانفشانیها و تلاشهای شگفت‌آور در راه اسلام و در تبلیغ دین نوعی بی‌حرمتی به آن بزرگوار است. سپس با گفتاری جانسوز به تصویر حقانیت تشیع پرداخته و جایگاه استوار منطق شیعی را در ولایت می‌نمایاند.

استاد پس از این بحثها، در پرتو تبیین شیوه توطئه‌آمیز «توسل به اصلی برای در هم شکستن اصلی مهمتر»، هوشمندانه یادآور می‌کند که تکیه بر «شوری» تدبیری بوده است سیاستمداران، برای تصرف قدرت و طرد و نفی «وصایت». در ادامه بحث، تدابیر سیاست‌بازان برای دستیابی به قدرت ارزیابی می‌شود، و کتمان حقایق در غوغای سقیفه به معرض نمایش گذاشته می‌شود، و آنگاه علل مخالفت «خواص» (بخوانید: مستکبرین، ملا، مترفین و طاغین) با خلافت علوی تعیین می‌گردد، و در نهایت گزارشی است از تلاش علی بن ابیطالب (ع) برای بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی آن- که در آغاز مقاله به آن پرداختیم- و توضیح و تفسیر دقیق این موضع علی (ع). در پایان این فصل، استاد، نامه معاویه به علی (ع) را آورده است، که از سویی نشانگر تلاش آن بزرگوار است در روزهای پس از پیامبر برای احقاق حق، و از سوی دیگر نمایانگر مظلومیت غم‌آلود علی (ع). که اینک متن آن را می‌آورم^{۱۰}

یادت می‌آورم دیروز را- روزی که مردم با ابوبکر صدیق بیعت کردند- که بانوی خانهات را بر درازگوشی سوار کرده بودی و دست بچه‌هایت، حسن و حسین را در دست گرفته بودی، احدی از بدریین و سابقین در اسلام را فروگذار نکردی، مگر اینکه به سوی خویش دعوت کردی و خود با زن و بچهات به سوی آنها رفتی و از آنان یاری طلبیدی، که یار رسول الله بوده‌ای و یاریات کنند. اما جز چهار نفر یا پنج نفر تو را جواب نگفتند و به جان خودم اگر حق بودی جوابت گفته بودند، اما تو ادعای باطلی داشتی و آنچه را حقت نبود می‌خواستی و طلب می‌کردی و آنچه را نمی‌رسیدی قصد کرده بودی. و اگر فراموش کرده باشی من از یاد نبرده‌ام که وقتی ابوسفیان تحریکت می‌کرد، گفתי اگر چهل نفر یار یا عزمی می‌داشتم مقاومت می‌کردم.^{۱۱}

این بخش نیز با تاکید بر لیاقت و شایستگی علی (ع) برای خلافت و تعیین علل فعالیت برای زمامداری و سپس توضیح علل کناره‌گیری و سکوت آن بزرگوار، پایان می‌یابد.

بخش چهارم:

در این بخش، بیان استاد در گزارش حقایق و دفاع از جایگاه والای علی بن ابیطالب (ع) و با تمهید زمینه‌سازی برای بحث، حقایق بلندی را افشا می‌کند. ابتدا از تعصب بیجا سخن می‌گوید، و سپس داوری‌های یکسویه را- از هر دو طرف- به نقد می‌کشد، آنگاه با توجه دادن خواننده به روحیه جاه‌طلبی و گستاخی اعراب، موضع‌گیری‌های خودخواهانه خلفاء را بررسی می‌کند، سپس موضع‌گیری‌های به ظاهر متدینانه و متعبدانه «شیخین» را بررسی کرده و محتوای اصلی این موضع را با عنوان «تقوای سیاسی» افشا می‌کند، آنگاه سخن از تبلیغات گسترده فرهنگی برای چهره‌سازی و فضیلت

بخش دوم:

این بخش عهده‌دار تفسیر آیه «اکمال» است. استاد برای تفسیر دقیق آن، مقدمه‌ای نگاشته‌اند درباره آخرین سالهای زندگانی پیامبر، فتح مکه و نقش آن در زدایش دلهره‌های مسلمانان. در ادامه بحث با تکیه بر شیوه بیانی قرآنی نشان می‌دهد که پیامبر دیگر از مشرکان و جبهه خارجی هراس نداشته و تمامی نگرانی آن سرور از نیروهای درونی و اهواء نفسانی امت خودش بود. گزارش هوشمندانه استاد با منطق قوی و استوار و بیدارگر از آخرین روز زندگی پیامبر، و چگونگی چرایی جلوگیری از وصیت برای ولایت و مسائل مربوط به آن، قابل توجه و شایان دقت است. استاد در این بخش در پرتو درایتی استادانه و نقد تاریخی اکراه پیشوای راستین امت، علی (ع)، به بیعت را عرضه می‌کند و با دقت در متون کهن به حتمیت آن تاکید می‌نماید. آنگاه در پرتو حقایق مطرح شده و آگاهیهای تاریخی، به تعیین مصداق «الیوم» می‌پردازد. استاد با آوردن تمام احتمالات منقول در مصداق «الیوم» بادقت در متن قرآن و مقارنه تطبیق آن با واقعیتهای زمان، نشان داده‌اند که «الیوم» به هیچ عنوان مصداقی جزو روز ۱۸ ذیحجه و داستان غدیر ندارد. از این روی، در پایان بحث نوشته‌اند: ... تا اینجا کاملاً روشن شد که آیه، همچنانکه بزرگان منصف اهل سنت و همه علمای شیعه گفته‌اند، مربوط است به داستان غدیر.

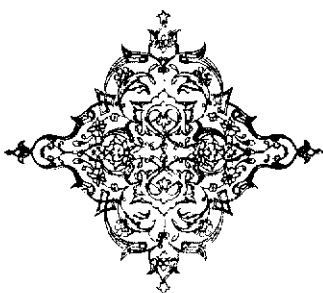
بحث استاد در تفسیر «تمام و کمال» فرق آنها، نعمت و چگونگی نعمت بودن عطایای الهی نیز در پایان این بخش بسیار خواندنی است.

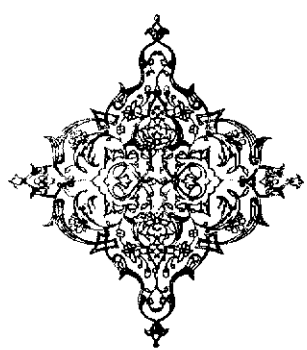
بخش سوم:

در این بخش استاد با ژرف‌نگری از تفاوت قانونگزاری اسلام و قانونگزاریهای بشر سخن گفته و با تبیین امتیاز قانون اسلام بر قوانین بشری و مصلحت‌نگری دقیق در قوانین اسلامی یادآوری می‌کند که مؤسس و بنیادگذار این مکتب براساس مصلحتی استوار، تصریح بر ولایت علی (ع) می‌کند و اینک آیا رواست کسانی بگویند:

پیغمبر صلاح می‌دید، اما واقعاً صلاح نبود. آیا اصلاح نبود یا صلاح عده‌ای جاه‌طلب و مقام‌پرست؟^{۱۲}

در ادامه بحث، استاد از جایگاه «شوری» در اسلام سخن می‌گوید و سوءاستفاده از این قانون و خلط بیجای





تراشی و کتمان حقایق است در جهت مکتوم داشتن فضایل (ع) و رقیب تراشی برای آن بزرگوار در ذهنیت مردم. بیانات استاد در این باره و حقایق عرضه شده بسیار تنبه آفرین است. راستی را، تاریخ انباشتگاه تجربه‌ها و پندهاست، یکی بنگرید که چه سان چهره بلند و قله‌سانی چون علی بن ابیطالب(ع) را که خطاب به مردم فرمود:

ینحدر عنی السیل و لایزقی الی الطیر^{۱۱}

و فرمود:

لوکشف الغطاء ما ازددت یقینا^{۱۲}

در ذهن مردم چه ساخته بودند، و مردم درباره وی چه داوری می‌کردند، و چگونه برخورد می‌کردند. به این بیان توجه فرمایید:

... و صرنا سوقه یطمع فینا الضعیف و یتعزز علینا الذلیل^{۱۳}

در جامعه موقعیت ما چنان شد که هر فرودستی برای ربودن حق ما بر ما طمع می‌کرد و هر ذلیلی بر ما عزت می‌فروخت.

و این سخن جانگداز که:

علی (ع) را تا فاطمه (س) بود حرمتی می‌نهادند، و چون فاطمه رخ در نقاب خاک کشید همه از او روی پرتافتند.^{۱۴}

که یعنی می‌شود با جوسازی و تبلیغات مسموم، بلندترین چهره عبادتگر را تارک‌الصلوه جلوه داد، و نورترین چهره را ضددین معرفی کرد و فضای رعب و وحشتی آفرید که همگان بزمند.

باری، چنین است قصه پرغصه تاریخ، و یکی از قربانیان این جریان و فضاهای آلوده خود استاد است، که در عین اینکه بدین سان با سوز و گداز از ولایت علی (ع) دم می‌زدند و فریاد برمی‌آورد، برای مردم به عنوان «سنی‌زده» معرفی می‌شود.^{۱۵}

بگذریم...

استاد در ادامه بحث، به افسانه عبدالله بن سبا می‌پردازد، و با نقد و بررسی آن یار دیگر به فضیلت‌سازی‌های سیاستگران اشاره می‌کند، و از ادامه توطئه در غالب نصب خلیفه دوم پرده برمی‌گیرد، و با ظرافت و لطافت می‌نویسد:

... عمر در اینجا چرا نگفت: حسبنا کتاب‌الله؟ چرا اینجا نگفت: ان الرجل، لیهجر، لیغشی علیه، لیهدی؛ این مردی (ابوبکر) که در وسط وصیتش، در میانه گفتارش بیهوش می‌گردد، هذیان نمی‌گوید، اما پیغمبری که در حال سلامت روح و فکر سخن می‌گوید، هذیان می‌گوید؟! آخر این مطالب را چه جور باید درست کرد؟! اگر حق کسی نبود که بعد از خودش جانشین انتخاب کند و مردم تکلیف خود را می‌دانستند، به چه حقی ابوبکر انتخاب جانشین کرد؟!...^{۱۶}

آنگاه به شکل‌گیری «حزب اموی» می‌پردازد و آن را از جمله نتایج خلافت شیخین می‌داند و با ارزیابی پیشنهاد ابوسفیان به علی (ع) مبنی بر مبارزه با رباوندگان خلافت، موضع علی (ع) را در رد پیشنهاد او، و عظمت و اهمیت جایگاه موضع امام را روشن می‌کند و می‌ستاید، آنگاه با گزارش موضع واپسین ابوسفیان و سازشکاری او با خلفا و رشوه‌گیری و تطمیعش از سوی آنان، نشان می‌دهد که موضع امام (ع) از اهمیت و والایی برخوردار بوده است. سپس استاد با اشاره به جریان «پیکار با مرتدین» نشان می‌دهد که مخالفت با حکومت آن روز به هر شکلی مساوی بود با درگیری، و اعلان ارتداد مخالفان از سوی حکومت و آنگاه...

بالاخره استاد به قانون «از کجا آوردی؟» خلیفه دوم می‌پردازد، و ماهیت این شعار پرطمطراق را افشا می‌کند و گشاده دستیهای سیاست مآبانه خلیفه را به دایره می‌ریزد و نشان می‌دهد که سختگیری‌ها با برخی چرا؟ و آسان گذشتن از اعضای حزب اموی چرا؟! پس از اینهمه افشاگری و نشان دادن ماهیت جریان‌سازان بعد سقیفه، استاد به ترسیم چهره زیبای علی (ع)، و عدالت شگفت او می‌پردازد، و تعبد عظیم و تصلب اعجاب‌آورش را بیان می‌کند و سختگیری‌های آن بزرگوار را در بیت‌المال می‌نمایاند، تا روشن شود که کی، کی است، و حق کجاست، که تعرف الاشیاء با ضدادها.

آنگاه استاد به انگیزه جلوگیری از نشر حدیث می‌پردازد و می‌نویسد:

در سابق خاطر نشان ساختیم که چون پیغمبر در آخرین ساعات حیاتش خواست چیزی بنویسد، نگذاشتند و بهانه‌شان این بود که پیغمبر در حال بیماری است و قرآن ما را بس است. ولی آنان بعداً متوجه شدند که احادیث دیگری هست که همان مقصود را که پیغمبر می‌خواست، در آن موقعیت خاص، تاکید و تسجیل کند می‌فهماند. این بود که به کلی از روایت و نقل حدیث و نوشتن آن جلوگیری کردند و سخت ممانعت نمودند.^{۱۷}

بیان استاد متکی است بر نگرش عمیق و ژرفی که آن بزرگوار از تاریخ اسلام و چگونگی حوادث بعد از پیامبر داشته است. به آنچه استاد در بیان علت جلوگیری از نشر حدیث اشاره کردند، عالمان و محققان دیگر نیز پرداخته‌اند. محقق بزرگوار مرحوم سیدهاشم معروف حسنی می‌نویسد: اگر علل و اسباب متصور در کتمان سنت نبوی و جلوگیری از نشر حدیث را بررسی کنیم، دلیل واضحی که تجویز این منع را توجیه کند نمی‌توان یافت. بدین سان بعید نمی‌دانیم که جلوگیری از نشر حدیث مهمترین عاملش جلوگیری از اشتها احادیث پیامبر در فضایل علی (ع) بوده است.^{۱۸}

دوست بزرگوار و پژوهنده‌ام، استاد سیدمحمدرضا حسینی جلالی نیز تمام ابعاد مساله را کاویده و با تکیه به حوادثی، به این نتیجه رسیده‌اند، که این عامل نقش اساسی را در جلوگیری و تدوین و نشر حدیث، بازی کرده است. وی پس از پژوهشی بنیادین می‌نویسد: آنچه نظریه ما را در جلوگیری از تدوین حدیث- جلوگیری از تدوین آن برای از بین بردن و پنهان ساختن احادیث نبوی درباره امامت علی (ع) و اهل بیت آن بزرگوار- تاکید می‌کند، این است که آنان افزون بر منع نگارش و تدوین، از نشر و روایت آن نیز با تمام توان جلو گرفتند.^{۱۹}

استاد پس از نقل عالمانه این موضع، در پایان بحث، این موضوع را از یک سوی و جعل و وضع و گسترش احادیث را در جهت استحکام پایه‌های خلافت و... از سوی دستگاه شام از سوی دیگر، مهمترین عامل موضع‌گیری‌های جاهلانه و زشت

در حال رکوع در این آیه، عین ولایت دا و پیغمبر است و دوم اینکه این ولایت منحصر به خدا و پیغمبر و اوست، براساس مأخذ ومدارک بسیار از کتب و تفسیر و حدیث اهل سنت، و با تکیه به کتاب عظیم «الغدیر» و نیز تدبر در متن قرآن، روشن می‌کند که تنها مصداق آن، علی (ع) است. آنگاه به برخی از اشکالات درباره آیه می‌پردازد و پاسخ می‌گوید.^{۲۰}

۲) آیه تبلیغ:

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس.

در تعیین مصداق این آیه نیز استاد بیشتر و پیشتر از هر چیز به متن قرآن تکیه می‌کند و با مقارنه و تطبیق، محتوای آیه با حوادث زمان و واقعیت‌های موجود در آن روزگار می‌نویسد: با توجه به مطالب بالا، کوچکترین شک و تردیدی باقی نمی‌ماند که آنچه پیغمبر باید تبلیغ می‌کرده، همان موضوع ولایت و خلافت بوده که شرط قبولی اعمال است، چنانکه شیعه معتقد است و...^{۲۱}

۳) آیه اهل الذکر:

فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون.

بیان استاد در تفسیر این آیه دلنشین، استوار، کوتاه و زیباست، لذا عین عبارت وی را می‌آورم:

علامه سیدشرف‌الدین، از تفسیر کبیر ثعلبی نقل می‌کند و نیز می‌گوید علامه بحرینی متجاوز از بیست حدیث صحیح آورده‌اند که مقصود از اهل ذکر، اهل پیغمبر است. این از نظر مدرک راوئی، اما از نظر خود قرآن:

در سوره طلاق آیه ۹-۱۰ تصریح دارد که «ذکر» پیغمبر است: قد انزل الله الیکم ذکراً رسولاً یتلوا علیکم آیات الله. در این آیه به روشنی توضیح می‌دهد که: «ذکر پیغمبری است که آیات خدا را بر شما تلاوت می‌کند» و اگر کسی بخواهد ذکر را به معنای دیگری مانند قرآن مثلاً بگیرد، باید قائل به حذف یا تقدیر شود، وگرنه ظاهراً آیه به حکم حجت بودن ظواهر قرآن، حکم می‌کند که لفظ «ذکر» به اعتبار «مذکر» بودن پیغمبر از روی مبالغه، بر آن حضرت اطلاق شده است. بنابراین «اهل ذکر» اهل پیغمبر خواهند بود، بدون هیچ نیاز به تاویل و حذف و یا تقدیر.^{۲۲}

۴) آیه امامت ابراهیم:

و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاطمه قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین.

استاد پس از تفسیر دقیق آیه، و نشان دادن جایگاه بلند امامت به عنوان «عهد الهی» و بهره‌وری شرط «عصمت» برای امام از متن آیه، به تفسیر آیه «و من ذریتی...» می‌پردازد و به گونه‌ای اعجاب‌آور ولایت علوی و اثبات لزوم امامت پس از پیامبر را بهره می‌گیرد. «ذلک من فضل الله...» استاد در ضمن تفسیر این آیه مطالب زیبایی را مطرح کرده و نقش وراثت را در شکل‌گیری شخصیت انسان نشان داده و مطالب دیگر...^{۲۳}

۵) آیه علم‌الکتاب:

و یقول الذین کفروا لست مرسلأ قول کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم‌الکتاب.

بر اساس این آیه پیغمبر مأمور می‌شود که در برابر کفاری که منکر رسالتش می‌شوند، بگوید، بر صدق مدعای من، همین بس که خدا گواه است و کسی که علم کتاب نزدش هست. در تعیین مصداق «من عنده علم‌الکتاب» مفسران عامه بسیار سخن گفته‌اند، و برای کتمان این فضیلت صفحاتی را

مردم نسبت به علی (ع) و فرزندانش می‌داند، و آنگاه با ظرافتی ستودنی «ارزش معلومات از نظر قرآن» را بحث می‌کند و اهمیت علم و جایگاه دانش را می‌نمایاند و یادآوری می‌کند، که اینهمه ارزش برای علم و دانش در صورتی خواهد بود که در عمل جلوه کند و در منش و شخصیت انسان موثر باشد. عکس آن نیز چنین است، که اگر کسی خود را بر مردم تحمیل کند و اعتماد مردم را جلب کند، آنگاه با صحنه‌سازی، آنچه را خود می‌خواهد عرضه کند و با پندارهای ناپسند و زشت مردم را بسازد، عواقب سوء آن و گناهش عظیم خواهد بود. استاد پس از این بحث به برخی از وارونه‌سازی‌های خلیفه دوم می‌پردازد و ذهنیتی را که آنان برای مردم در فهم دین و عمل به آن ساخته بودند، بیان می‌کند و می‌گذرد، و خواننده را در تدبر و تفکر می‌نهد، تا خود «حدیث مفصل بخواند از این مجمل».

باز هم در این مرحله نوبت آن می‌رسد تا استاد، دلیل پیامبر بر ر ولایت علی (ع) باز گوید و تلاش علی (ع) را برای احقاق بنمایاند و نشان دهد که اینهمه برای آن بود که چشمه‌سار زلال مکنب آلوده نشود و دین به تحریف نگراید، که سوگمندان آرمانهای بلند پیامبر جامه عمل نپوشید، و شد آنچه نمی‌باید می‌شد. حقایقی از این دست، از دید حقیقت‌نگر برخی از پژوهشگران اهل سنت نیز مستور نمانده است، و این است که برخی از آنان نیز کردار و رفتار خلفا را قابل انتقاد دانسته‌اند که استاد در پایان این بخش از آن‌ها یاد می‌کند.

بخش پنجم:

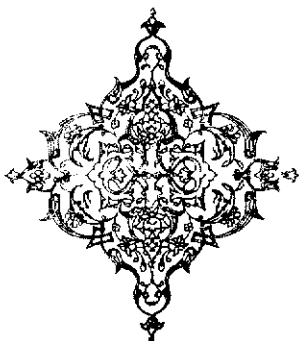
با بحث‌های گذشته زمینه کاملاً آماده می‌شود تا استاد حکومت و اهمیت آن را به بحث بگذارد. در آغاز فصل، به اجمال از اهمیت آن سخن می‌راند و دیدگاه شیعه را مبنی بر تصریح و تاکید پیامبر، ولایت و رهبری پس از خودش را مطرح می‌کند، و با اشاره به اینکه بعد از توحید، نبوت و معاد، درباره هیچ موضوعی به اندازه موضوع رهبری، امامت و ولایت، آیه و روایت نازل و وارد نشده است؛ به تفسیر آیات خلافت می‌پردازد.

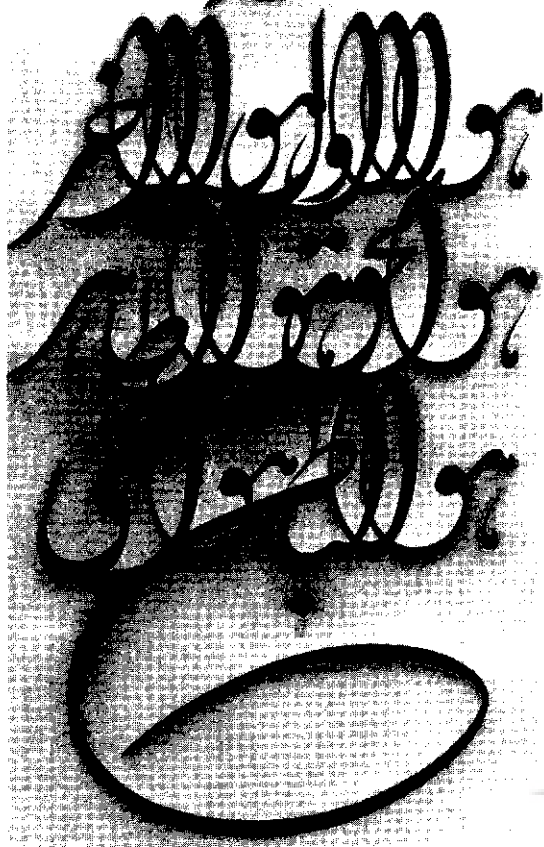
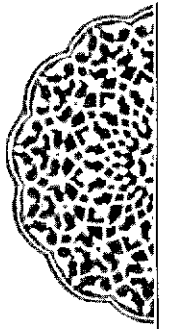
استاد در صفحات گذشته کتاب، چنانکه دیدیم، به تفصیل از آیه «اکمال» سخن گفت، در این بخش از آیاتی بحث می‌کند که افزون بر روایات بسیار، متن آیه نیز نشانگر آن است که جز «بر خاندان عصمت یا امر ولایت قابل تطبیق نمی‌باشد».

۱) آیه زکات در حال رکوع:

انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا یقیمون الصلوه ویوتون الزکوه و هم راکعون.

استاد با یادآوری دو نکته: اول اینکه ولایت صدقه دهنده





سیاه کرده‌اند و در تحریف این حقیقت قلمها زده‌اند. استاد با ژرف‌نگری ویژه‌ای با تکیه به متن قرآن و نقد و بررسی اقوال، علی(ع) را شاهد رسالت دانسته و در توصیف جایگاه بلند او، داد سخن می‌دهد و شیداوار می‌گوید:

... کدام پیغمبری جامع فضایل علی بوده است؟ عیسی زهد و پارسایی داشت، موسی هیبت و سطوت، ابراهیم قدرت جدل و یحی و استدلال، ایوب صبر، یوسف عفت، و همچنین سایرین. هر پیغمبری فضیلتی خاص دارد، ولی علی(ع) جامع فضایل است. حقیقت این است که فضایل را باید به علی ستود.^{۲۳}

استاد به این آیه در نشان دادن عظمت و فضیلت و والایی علی(ع) عنایتی عظیم داشته است و این آیه را مهمترین آیه در شان و عظمت علی(ع) می‌دانسته است.

(۶) آیه ۱۷ سوره هود:

افمن كان علی بینه من ربه و يتلوه شاهد منه و من قبله كتاب موسى اماما و رحمه.

استاد با بیانی دقیق «ویتلوه شاهد منه» را علی(ع) معرفی می‌کند، و این آیه را همگون با آیه پیشین می‌داند و با استناد به روایات نشان می‌دهد که آیه، علی(ع) را به عنوان گواه رسالت و شاهد صدق نبوت پیامبر معرفی می‌کند.

استاد پس از تفسیر این آیات به تفصیل از داستان غدیر، حدیث منزلت، تبلیغ سوره براءت، حدیث «خاصف النعل» سخن می‌گوید، حقایق بسیاری را درباره علی(ع) بیان می‌دارد، و جایگاه بلند و والای آن بزرگوار را روشن می‌نماید، و آنگاه ذیل «احتیاج قرآن به درک صحیح و نیاز دین به رهبری انعطاف‌ناپذیر» به بررسی عظمت قرآن و نقش آن در ساختار سالم اجتماع می‌پردازد. حقایق تلخی را از جهالتها، حق کشیها، فسادها و ناهنجاریهای روا شده بر فرهنگ اسلامی می‌شمرد. بسیاری از تفرقه‌ها و تشتتها را عرضه می‌کند و علل و انگیزه‌های آنها را بیان می‌دارد و نقش سیاست بازان پس از پیامبر را در این ماجراها نشان می‌دهد و در پایان باز هم تأکید می‌کند که علی(ع) خلافت را برای این می‌خواست که مشعل حق فروکش نکند و پرتو حقایق به تاریکی نگراید، پاکان مبعوض و ناپاکان محبوب نشوند، عمارها شمانت نشوند، ابوذرها کتک نخورند، اما...

بخش ششم:

خطبه شفشقیه، دردهای دل علی(ع) است. مرثیه رنجها، غمها، سوزها و مظلومیت‌های علی(ع) است. آن استوارتر از کوهها، و ستبرتر از صخره‌ها، و صبورتر از قله‌ها، یکباره دهان می‌گشاید و آتشفشان وجودش ملتپهانه فرو می‌ریزد و حقایقی را می‌گوید، اما جهل جهل مداری از ادامه آن باز می‌دارد و چون ابن عباس می‌خواهد که ادامه دهد می‌فرماید: شفشقه هدرت ثم قرت.

بخش ششم کتاب با عنوان «اینها درد دل‌های علی(ع) است» به تفسیر تاریخی، علمی این خطبه می‌پردازد. استاد در ضمن تفسیر آن، حقایق بسیاری را عرضه می‌کند، از رازهای فراوانی در تاریخ اسلام پرده برمی‌گیرد، از ستمها و از جباریتهای زیادی سخن می‌گوید، چهره‌های مظلوم را معرفی می‌کند، از گشاده دستیها، اسرافها و باندبازیهای حاکمان قصه‌ها می‌آورد، از نیرنگها و تدبیرهای سیاستمداران برای ربودن خلافت بحث می‌کند و....

استاد راه در این بخش، چنان پیشتازی ایستاده بر بلندای تاریخ می‌بینیم که حقایق را می‌نگرد و با اشراف و نگرشی

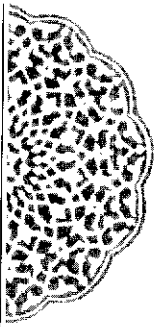
عظیم ناپیداییها را روشن می‌کند، اعماق ماجراها را می‌کاود، تا به نسله‌ها و نسله‌ها راه بنمایاند و حقیقتها را بگوید. استاد این مشعلدار بزرگ بر معبر تاریخ ایستاده است، آفتاب را تفسیر می‌کند و فریاد برمی‌آورد که این است «سند مظلومیت علی».

بخش هفتم:

سیاست و جهاننداری علی(ع)

استاد در این بخش به تبیین سیاست علوی می‌پردازد و اهمیت و عظمت آن را می‌نمایاند. وی در آغاز معنای درستی را از سیاست به دست می‌دهد و آنگاه موضع سیاسی معاویه و نیرنگهای وی را در مقابل علی(ع) بررسی می‌کند و در ضمن آن نگرشی دارد هوشمندانه به چگونگی وضع اجتماعی و سیاسی آن روز.

آنگاه به تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی دوران پیامبر و علی(ع) می‌پردازد و با تبیین وضع سیاسی آن روز، خلافت علی(ع) را از «معجزات و کرامات» آن بزرگوار می‌داند. استاد در این بخش، از جنگهای جمل «صفین» و انگیزه‌ها و پیامدهای آن سخن می‌گوید، و عوامل پیشرفت و چگونگی جباریتهای معاویه را می‌نمایاند و با عرضه گوشه‌هایی از تاریخ و خیانتها و جنایت‌های اصحاب زر و زور و تزویر، و ترسیم چهره تپه مغزان و تنگ‌اندیشان و موضع زشت آنان در برابر علی(ع) و تحلیل چگونگی نیرنگها و تردستیهای سیاست‌بازان و مالا پراکنده شدن قشون علی(ع) بار دیگر مرثیه مظلومیت علی(ع) را می‌سراید، و شاید و سختی‌های علی(ع) را که پس از این ماجراها به نهایت رسیده بود باز می‌گوید، و از عظمت‌های روحی و شخصیت ممتاز آن بزرگوار عاشقانه سخن می‌گوید، و موضع راستین امام را در مقابل حيله‌ها و نیرنگهای دشمنانش



هیچ مفسری چنین تفرسی کرده باشند... «علی(ع) شاهد رسالت، مهدی(عج) موعود امم» ۹/۸.
۷. خلافت و ولایت / ۸۲.
۸. برای آگاهی از منابع و مصادر بسیار آنچه استاد فرموده اند

بنگرید به پانوش شماره ۲.
۹. خلافت و ولایت / ۸۹.
۱۰. خلافت و ولایت / ۱۰۶، شرح ابن ابی الحدید.
۱۱. خطبه شقشقیه.
۱۲. احقاق الحق، ج ۶۰۵/۷؛ الصواعق المحرقة / ۷۷.
۱۳. بهج الصباغ، ۲۶۴/۶.
۱۴. تاریخ طبری، ج ۲۰۸/۳، صحیح البخاری، ج ۲۰۲/۳، تاریخ الاحمدی / ۱۳۴.

۱۵. به روزگاری که در حوزه علمیه مشهد مقدس تحصیل می کردم مکرر به محضر استاد می رسیدم و از چشمه سار زلال دانش آن بزرگوار در حد توان بهره می بردم. روزی یکی از دوستانم از من خواست به محضر استاد برویم و اجازه نشر «فایده و لزوم دین» را برای آن دوست بگیریم، استاد اجازه دادند و چون خود کتاب را نداشتند، من نسخه خودم را به خدمت استاد بردم تا بازنگری کند چند روز بعد مراجعه کردم کتاب را بگیرم، وقتی در محضرش نشستم، استاد با سوز و گدازی شگفت گفتند: آقا! من که اینهمه از مولی، و اهل بیت دم می زدم، چرا به من این چیزها گفتند و می گویند یادآوری می کنم که از مجموعه ۱۸ جلسه سخنرانی آن کتاب، گفتار دهم، یازدهم، دوازدهم، چهاردهم درباره علی(ع) و فرزندانش هست، استاد در پانوشتهای گفتار دهم به اثبات ایمان ابوطالب(ع) پرداخته و با زیبایی و استواری در این باره سخن رانده است، فایده و لزوم این، چاپ مشهد ۱۵۰. ۱۶۱. این را هم بیاورم، که من گفتم استاد، خلافت و ولایت نشانگر عشق شما به مولی است، فرمودند: این جزیی از دهها سخنرانی من درباره مولی و ولایت و شخصیت اوست، که متأسفانه ضبط نشد و به هوا رفت.

۱۶. خلافت و ولایت / ۱۴۲.
۱۷. همان / ۱۵۶.
۱۸. در اسات فی الحدیث و المحدثین / ۲۲.
۱۹. تدوین الحدیث (مخطوط).
۲۰. برای منابع و مصادر شان نزول این آیه رک: فهرس ملحقات احقاق الحق / ۱۴، المراجعات / ۹۰، سبیل النجات / ۵۲، کفایه الطالب / ۲۲۸ و...
۲۱. برای منابع و مصادر شان نزول آیه «تبلیغ» رک: فهرس ملحقات احقاق الحق / ۱۴، سبیل النجاه / ۱۸۶ از منابع و مصادر بسیاری از اهل سنت.
۲۲. خلافت و ولایت / ۱۸۴، المراجعات / ۸۹، سبیل النجاه / ۵۰.
۲۳. خلافت و ولایت / ۲۱۳.
۲۴. علی(ع) شاهد رسالت / ۱۰.
۲۵. خلافت و ولایت / ۳۰۹.

بازشناسی می کند و با تفسیر محتوای راستین سیاست اسلامی، چهره منور سیاست علوی را به نمایش می گذارد و سیاست آمیخته به دروغ و نیرنگ مخالفان او را افشا می کند و آنگاه می نویسد:

علی علیه السلام مجسم است؛ آن حضرت فرمود: «ماییم موازین عدل در قیامت». اعمال همه امت با اعمال او و ائمه بعد از او سنجیده می شود که: یوم ندعوا کل اناس بامامهم... و نضع الموازین القسط لیوم القیامه. علی(ع) در همه مراحل زندگی خود سرمشق است و جمیع طبقات باید به او اقتدا کنند، فردی در خانواده کارگر و سرباز ساده و افسر ارتش و فرمانده کل و امام جماعت و خطیب دینی و سخنور سیاسی و اجتماعی و معلم دین و اخلاق و سرپرست خانواده و مجتهد و عالم و عابد و عارف و زارع و مالک و قاضی دادگاه و هر یک از دو طرف دعوی تا زمامدار مملکت، همگی می توانند از رفتار و کردار علی(ع) سرمشق بگیرند. چون او در همه این مشاغل و مناصب بوده است.

استاد در پایان به آثار شوم تفرقه و جدایی اشاره می کند و همگان را به وحدت و هماهنگی فرا می خواند و سخن مولی را - را که بیشتر نقل کردیم - در پایان می آورد و می نویسد: شیعہ باید به پیشوای بزرگوارش اقتدا کند، که احدی مانند علی برای حفظ اسلام و وحدت اسلامی فداکاری و جانبازی و گذشت نکرد.^{۲۵}

الحق، «خلافت و ولایت از دیدگاه قرآن و سنت» به لحاظ منطق استوار، عرضه درست، ارزیابی دقیق، نثر شیوا، صداقت در ارائه حقایق، آمیختگی با ادب اسلامی و علوی، در دفاع از حق مجسم علی(ع) امیرالمؤمنین، خلافت حق و حق خلافت، با اینهمه گزیده گویی و زبده نگاری بی نظیر است. با درود به روان آن خردمند استاد و مسئلت ثواب و اجر به پاس این خدمت بزرگ، از خداوند بزرگ، مقاله را به پایان می بریم.

پاورقی:

۱- خلافت و ولایت، چاپ اول، مقدمه/ده

۱. همان، چاپ دوم / شش

۲. استاد محمد تقی شریعتی رحمه الله علیه، همواره از مرحوم آیه الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی رضوان الله علیه به نیکی یاد می کردند و صفای باطن، سلامت نفس و روح بلند آن مفسر قرآن را می ستودند، و می فرمودند من نوشته ها و آثارم را برای اظهار نظر حتماً به ایشان می دهم. این مطلب را روزی استاد از جناب دکتر محمد باقر نوراللهیان نقل کردند.
۳. بحث تناسب السور که عهده دار تناسب سوره ها و آیات و رابطه تنگاتنگ محتوی آنهاست، چنانکه یاد کردیم پیشینه کهنی دارد، در این باره رک: تناسق الدر فی تناسب السور» سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳۶۹/۳ مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، ج ۴۰۸/۲ و...
۴. استاد با این شیوه در جای جای اثر گرانقدرش «تفسیر نوین» به تحقیق پرداخته و نکات بدیع و زیبایی از قرآن عرضه کرده است.

۵. نگرشی بدین سان را به سوره مائده - تا آنجا که من می دانم - برای اولین بار استاد مطرح کرده اند، این بنده در تفاسیر موجود هنوز هم این بیان عمیق و ژرف را ندیده ام؛ استاد در مقامی به این ابتکار و یا به تعبیر ایشان «تفرس» کرده اند: «این سوره به طوری که من تصور می کنم سراسرش مربوط به همین امر [ولایت] است، هر چند جایی ندیده ام که